گفت‌وگوی «جوان» با نویسنده رمان‌های فانتزی «هفت جن»، «لوثیا» و «صخور»

ارشاد به اشعار متالیک راحت‌تر از کتاب‌های دینی مجوز می‌دهد!

مطالبات رهبری انگیزه ورودم به ادبیات فانتزی شد

■ **مصطفی شاه‌کرمی**

امید کوره‌چی جزو اولین افرادی است که با تألیف و انتشار یک سلسله رمان در ژانر فانتزی سعی کرده افق جدیدی روبه‌روی مخاطبان داخلی ایجاد کند. این نویسنده جوان که آثاری همچون سوسیا، عشق در برابر عشق، هفت جن، لوثیا، صَخور، هَبذُوَل و چندین اثر دیگر را به رشته تحریر درآورده است، ضمن داشتن رتبه دان ۵ در رشته رزمی کیک بوکسینگ، دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته علوم قرآن و حدیث، لیسانس مهندسی مکانیک و نشان درجه سه هنری نیز است. کوره‌چی در گفت‌وگو با «جوان» از دلایل قدم گذاشتن در مسیر فانتزی‌نویسی، مشکلات مجوز گرفتن آثارش و نیز پاسخ به برخی شبهات راجع به محتوای کتاب‌هایش، نکاتی را مطرح کرده است که بخش اول آن را در ادامه می‌خوانید.

■■■

چطور شد به سمت نوشتن رمان‌های چندگانه هفت جن، لوثیا، صَخور و هَبذُوَل رفتید؟

این آثار را که در ژانر فانتزی تعریف می‌شوند به دلایلی از جمله کشش درونی و نیاز جامعه نوشتم. از طرفی تمام ادبیات فانتزی ما به نوعی وارداتی از کشورهای غربی بود. از طرف دیگر مقام معظم رهبری هم برای تمرکز و تولید بیشتر آثاری با ادبیات فانتزی و هم اینکه داستان‌های بلند دنباله‌دار تألیف گردد، تأکیداتی داشتند. یک مسئله دیگر که مرا در ورود به چنین فضایی ترغیب می‌کرد، بحث راه افتادن حلقه‌های عرفانی ضاله نوظهور در دانشگاه‌ها بود. وقتی می‌دیدم طیف عظیمی از دانشجویان به آن مبتلا هستند و گاهی کارهایی می‌کنند که بعدها زندگی آنها از بین می‌رود، مرا برای قدم گذاشتن در چنین مسیری ترغیب می‌کرد. تقریباً این مجموعه از دلایل و صد البته لطف و عنایت خداوند متعال زمینه‌ساز تألیف این مجموعه رمان دنباله‌دار در ژانر فانتزی توسط بنده شد. از آنجایی که رمان‌های دنباله‌دار تأثیر عمیق‌تری بر مخاطب دارند تصمیم دارم که این مجموعه رمان را تا هفت جلد ادامه بدهم.

فضا و عوالمی که شما در مجموعه آثارتان به آن پرداخته‌اید، قدری متفاوت‌تر از تجربه مخاطبان در مواجهه با دیگر آثار فانتزی است. در واقع آثار شما در عین جذابیت قابل توجه، فضایی بسیار ناشناخته دارند که مخاطب داخلی نسبت به آن ناآگاهی خاصی دارد. به عنوان مثال بیشترین اطلاعات مردم از فضای ماورایی (عوالم اجنه، پریان، فرشتگان و...) در سطح شنیده‌هایی است که اغلب در لفافه‌ای از غلو و توهم پیچیده شده‌اند. با این توضیحات، بفرمایید که آیا تجربیات شخصی شما در تألیف و خلق کیفیت اتفاقات این مجموعه رمان هم دخیل بوده یا نه؟

در بسیاری از حوزه‌ها ایرانی‌ها پیشتاز عرصه‌های مختلفند اما متأسفانه واقعیت این است که ما از نظر محتوای ادبی و تنوع تولید آثار قدری عقب هستیم. ادبیات جهان امروز در حال رفتن به سمت ترکیبی از ادبیات فانتزی با رئالیسم جادویی است. الان دیگر مثل قدیم نیست که کسی بگوید اینها صرفاً تخیل هستند چه اینکه خیلی به زندگی واقعی امروز مردم نزدیک است. لاجرم فضای هنری جهان در حال گذار به این سمت ادبیات است و من هم این مجموعه آثار را به همین علت نوشتم نه تجارب شخصی از چنین عوالم و اتفاقاتی. هر چند بعضی‌ها این اتهام را به بنده وارد کرده بودند که شما می‌خواهید مردم را گمراه کنید یا عطش ایجاد کنید! واقعیت این است که دنیای هنر و ادبیات در حال رفتن به چنین سمتی است و اگر ما هم نرویم قطعاً عقب می‌مانیم. من معتقدم به جای اینکه ۴۰ یا ۵۰ سال دیگر بخواهیم به این جهت حرکت کنیم بهتر است که همین الان و با تولید آثار فانتزی فاصله ایجاد شده بین خودمان و غربی‌ها را کمتر کنیم. مجدداً عرض می‌کنم بنده نه تجربه شخصی‌ام را نوشته‌ام و نه خدایی نکرده به دنبال ایجاد عطشی در جامعه برای رفتن به سمت مباحث و عوالم موجودات ماورایی بوده‌ام که خدایی نکرده باعث ترویج خرافات در جامعه بشود. هر چند اساساً دنیاهای دیگر و وجود مخلوقات مسئله غامض و غریبی نیست که بتوانیم به آنها نسبت خرافه بدهیم. چه اینکه اغلب این مباحث در لابه‌لای آیات قرآن و احادیث ما یادآوری و گفته شده‌اند. به عنوان نمونه من در نگارش اثری مثل «هفت جن» به بیش از ۱۰۰۰ نسخه قدیمی مرتبط دسترسی داشتم و این منابع در نگارش اثر به من کمک کرده است. البته زمانی که شروع به نوشتن «هفت جن» کردم زبان اساطیری و کهنی را انتخاب کرده بودم و از آنجایی که آن را برای مخاطب خاص می‌نوشتم زبانش تا حدودی ثقیل بود. اما در بازنویسی‌های دوباره و سه‌باره آنها را حذف کردم و یک اثر روان برای مخاطب عمومی نوشتم.

اتفاقات این آثار به شکلی در هم تنیده شده‌اند. وقتی «هفت جن» را می‌خوانیم با برخی کاراکترها مثل شخصیت علی یا میرانا و حوادثی که با آن روبه‌رو می‌شوند، آشنا می‌شویم. وقتی به سراغ رمان «لوثیا» می‌رویم آنجا مخاطب به شکل مبسوطی با شخصیت و اتفاقاتی که برای میرانا رخ داده مواجه می‌شود و در «صَخور» هم این مسئله به شکلی دیگر وجود دارد. شما در «هفت جن» برخی کدها را در مورد شخصیت «میرانا» به مخاطب می‌دهید که موجز و مختصر است اما در رمان «لوثیا» خواننده را با ابعاد وسیعی از این کاراکتر آشنا می‌کنید که به نوعی حلقه به حلقه و زنجیروار ایجاد شده‌اند. این ارجاع دادن‌های مکرر مخاطب به اتفاقات با پیش‌زمینه فکری قبلی بود یا وقتی به دل کار زدید چنین تکنیکی را در پی گرفتید؟

ببینید واقعیت این است که ژانر فانتزی‌نویسی مانند یک اقیانوس بیکرانی است که هر کدام از این رمان‌ها نقش یک جزیره را در آن بازی می‌کنند. الان جلد چهارم این مجموعه به اتمام رسیده و درست است که یک داستان به کلی متفاوت از سه جلد قبلی شده اما در بخش‌هایی از اتفاقات آن برخی از کاراکترهای جلدهای قبلی حضور دارند. اصل کار بر این است که اتفاقات و شخصیت‌های هر کدام از این کتاب‌ها ضمن داشتن استقلال محتوایی و سرانجامی، به نوعی تکمیل‌کننده سایر کتاب‌ها هم باشند. یک نکته دیگری که وجود دارد این است که اغلب افراد در کشورمان به خواندن رمان‌های چند جلدی فانتزی که داستان‌های تودرتو و پیچیده‌ای را روایت می‌کنند، عادت ندارند. علتش هم این است که تا به حال چنین آثاری کمتر منتشر شده و مدت زمانی نیاز است تا ذهن مخاطبان داخلی به این آمادگی و پختگی برسد. در واقع ما نیاز داریم تا ذهن مخاطبانمان را برای آثار فانتزی تحت آموزش قرار بدهیم. بحث اصلی و نقطه پایانی که به عنوان جمع‌بندی اصلی در نگارش و تألیف این مجموعه کتاب مورد نظر بنده هست بحث ظهور حضرت صاحب‌الامر(عج) است که امیدوارم به این مهم نائل شوم. حسم این است که چند جلد دیگر بر همین منوال و مسیر تألیف خواهد شد و در هم تنیدگی اتفاقات بیشتر می‌شود در نهایت همه اتفاقات و مباحث در خدمت تبیین ظهور حضرت حجت(عج) جمع‌بندی می‌شود.

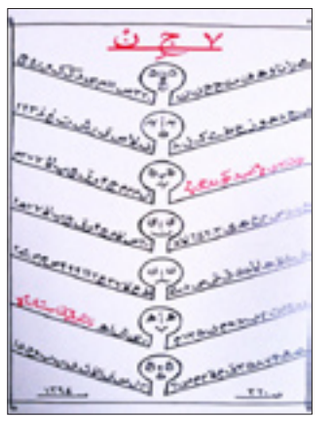

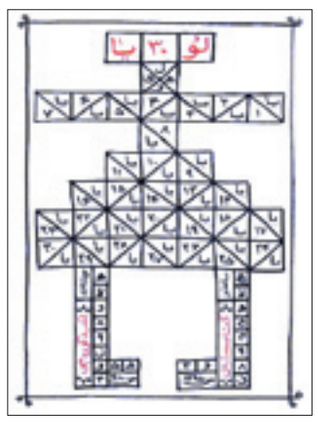

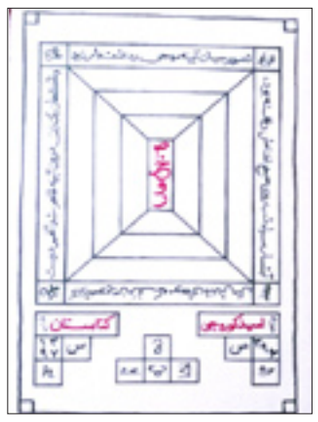

> **ادبیات جهان امروز در حال رفتن به سمت ترکیبی از ادبیات فانتزی با رئالیسم جادویی است. الان دیگر مثل قدیم نیست که کسی بگوید اینها صرفاً تخیل هستند چه اینکه خیلی به زندگی واقعی امروز مردم نزدیک است**

با توجه به محتوای کلی این آثار که روایتگر تقابل انسان‌ها با موجودات شرور فرا انسانی است، مشکلی برای اخذ مجوز و انتشار آنها هم داشتید یا نه؟

متأسفانه در وزارت ارشاد بحث اعمال سلیقه بسیار تأثیرگذار و پر رنگ است. من یک کتابی با عنوان «عشق در برابر عشق» راجع به امام حسن مجتبی(ع) دارم که مملو از حدیث و روایت است که برای گرفتن مجوز آن مشقت‌های زیادی کشیدم تا به مرحله انتشار برسد. در عین حال این سختگیری‌های سلیقه‌ای و شخصی در مورد اثری که راجع به خلقیات معصوم(ع) است، مثلاً می‌بینیم یک کتابی با محوریت خاطرات یک زن بدکاره در گراند هتل به راحتی مجوز می‌گیرد و بدون هیچ مشکلی انتشار هم پیدا می‌کند! اشعار متالیکا مجوز می‌گیرد، خاطرات گوگوش مجوز می‌گیرد اما یک اثر دینی منطبق بر قرآن و احادیث که اتفاقاً متکی به پژوهش‌ها و مطالعات بسیار مفصلی است باید سال‌ها در انتظار مجوز بماند! ما متوجه نشدیم که وزارت ارشاد ما انقلابی است یا غیرانقلابی؟ باور کنید بعد از این همه هنوز این مسئله برای ما حل نشده که با چه وزارت ارشادی مواجه هستیم! البته مجوز آثار را مسئولان «بررسی آثار» می‌دهند و ممکن است از نظر یکی از آنها اثری حائز شرایط انتشار باشد و از نظر یکی دیگر از این عزیزان غیر قابل انتشار؛ این همان اعمال سلیقه‌ای است که در ابتدا خدمتتان عرض کردم. ما کتاب داریم که برنده جایزه عفاف و حجاب کشور شده و اتفاقاً مورد تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی هم هست؛ شاید قابل باور نباشد اگر به شما بگویم وزارت ارشاد به این اثر مجوز نمی‌دهد! آیا این یک پارادوکس قانونی نیست؟ چطور می‌شود شورایی که از نظر تصویب برخی قوانین هم شأن مجلس شورای اسلامی است اثری را به عنوان کتاب برگزیده انتخاب و اعلام می‌کند اما همان کتاب وقتی از سوی یک ناشر شهرستانی که اتفاقاً یک ناشر ارزشی هم محسوب می‌شود و خواستار دریافت مجوز از وزارت ارشاد است از نظر مسئولان همین وزارتخانه حائز دریافت مجوز انتشار تشخیص داده نمی‌شود؟! من خودم چهار جلد کتاب دارم که الحمدلله و به فضل خداوند مجوز نگرفته‌اند! امیدوارم که دوستان وزارت ارشاد کمتر اذیت کنند. مگر چندتا نویسنده داریم که برای انقلاب و ارزش‌های دینی قلم می‌زنند؟ در دوره‌ای که سه جلد از آثار من پشت در مجوز از ارشاد معطل مانده بودند، واقعاً نوشتن برایم سخت شده بود اما خیلی‌ها هستند که کلاً عطای نوشتن را به لقایش می‌بخشند و کار را رها می‌کنند!

> **در وزارت ارشاد بحث اعمال سلیقه بسیار تأثیرگذار و پر رنگ است. من یک کتابی با عنوان «عشق در برابر عشق» راجع به امام حسن مجتبی(ع) دارم که مملو از حدیث و روایت است که برای گرفتن مجوز آن مشقت‌های زیادی کشیدم تا به مرحله انتشار برسد**

کتاب هفت جن بعد از اینکه مجوز گرفت، چند سال پیش در آستانه پرفروش‌ترین اثر نمایشگاه کتاب به یکباره از غرفه‌ها جمع‌آوری شد. آیا در مورد علت چنین اقدامی به شما یا ناشر توضیحی داده شد؟

اصلاً! هیچ توضیحی ندادند. حتی به ناشر هم توضیحی نداند. این در حالی است که این کتاب دو بار مجوز انتشار گرفته بود! یک بار از سوی نشر ندای ملکوت مجوز گرفته و یک بار هم از سوی نشر کتابستان شهر قم! بعد ما می‌بینیم در عین حالی که این کتاب به عنوان پرفروش‌ترین کتاب روز سوم نمایشگاه می‌شود توسط دوستان وزارت ارشاد از سطح نمایشگاه جمع می‌شود. حالا علت چی بوده ما که نمی‌دانیم! هر چقدر هم پیگیری کردیم دوستان اساساً توضیحی به ما ندادند!

علت اینکه دومین مجوز انتشار کتاب هفت جن را توسط یک ناشر در شهر قم گرفتید چه بود؟

از یک طرف شهر قم مرکز تولید و انتشار علوم دینی است و سابقه دینی و مذهبی شهر قم خیلی بیشتر از شهرهای دیگر است. از سوی دیگر تجمع اصلی علمای بزرگ دینی هم در این شهر مقدس است و این ملاحظه که با چنین اقدامی آرامش خاطری به مخاطبان و علاقه‌مندان داده می‌شود که محتوای اثر بر پایه مسلمات قرآنی و حدیثی استوار است و هیچ خرافه و انحرافی در آن وجود ندارد. به همین دلایل دومین مجوز انتشار این کتاب را از شهر قم گرفتیم تا بعداً هیچ شائبه‌ای پیش نیاید. هر چند با تمام این ملاحظات و تفاسیر باز هم نق‌زن‌ها انگ‌های زیادی به ما وارد کردند.

در این سلسله رمان ما با اسامی و حالات و تشبیهاتی از ظواهر موجودات فراانسانی متنوعی مواجه می‌شویم، انتخاب اسامی و شرح ظواهر آنها بر چه مبنایی شکل گرفته است؟

این اسامی و برخی توصیفات در مواردی می‌توانند واقعی باشند؛ ولی قطعاً چنین توصیفاتی هیچ خطری ندارد! این کتاب ماحصل پژوهش‌های کاملاً علمی و عملی است که با هموار کردن رنج و سختی زیاد به دست آمده است. من برای اینکه بحثی راجع به برخی جملات و کلمات این کتاب‌ها پیش نیاید، اصطلاحات به کار گرفته شده را با چندین زبان باستانی چک کرده و تطبیق داده‌ام که نکند مثلاً در تطابق با فلان زبان باستانی خاص مشکلی را ایجاد کند.

ما در رمان‌های «هفت جن»، «لوثیا» و «صَخور» با شخصیت‌های اصلی و محوری مثل علی و میرانا مواجه می‌شویم که از ابتدا ابعاد شخصیتی نسبتاً قابل قبولی دارند که در جریان اتفاقات به یک سیر تکامل شخصیتی می‌رسند. اما در بین همین شخصیت‌های اصلی، کسی مثل سعید انگشتی را هم با پیشینه رفتاری مشحون از لاقیدی به اصول اخلاقی می‌بینیم که وجهه و سابقه خوبی ندارد. چطور می‌شود که علی به سراغ سعید انگشتی می‌رود و به او مأموریتی می‌دهد که با جغرافیای رفتاری وی سنخیتی ندارد؟

در ابتدا عرض کنم که این شخصیت‌ها به نوعی از ما به ازاهای واقعی تبعیت می‌کنند. البته این را هم بگویم که شخصیت سعید انگشتی در کتاب «سوسیا» که باید قبل از کتاب «هفت جن» منتشر می‌شد و متأسفانه مجوز نگرفت، به خوبی تشریح می‌شود و بخش عمده‌ای از ایجاد این تعارضی که شما به آن اشاره کردید به علت منتشر نشدن رمان «سوسیا» (به معنی همزاد جن) است. شاید اگر این سلسله رمان به ترتیب منتشر و زنجیره محتوایی و اتفاقات پیش برنده داستان در کتاب‌ها کامل می‌شد، مخاطب و خواننده کتاب دچار چنین مسائلی نمی‌شد. این مسئله یکی از مهم‌ترین مشکلاتی است که نویسنده یک رمان چند جلدی را که اتفاقاً محتوای داستانش به صورت زنجیروار به هم پیوسته است می‌تواند به آن مبتلا شود، درست همان مشکل سلیقه‌ای در مجوز دادن به کتاب‌ها که من را در رساندن محتوا به مخاطب دچار گرفتاری کرده است. در واقع تنها کتابی که نشر امیرکبیر در طول سال‌های پس از انقلاب نتوانست مجوز انتشارش را از وزارت ارشاد بگیرد همین کتاب «سوسیا» بود که در نوع خودش اتفاق بی‌نظیری است. مطمئناً اگر این کتاب اجازه انتشار می‌گرفت خیلی از علامت سؤال‌های مخاطبان برطرف می‌شد و عقبه شخصیت‌هایی مثل استر، سعید انگشتی و نسرین که در کتاب «لوثیا» در مورد آنها مطالعه می‌کنیم شفاف‌تر می‌شد.

روش‌های عجیب تهیه‌کننده‌های سینما برای دیده شدن فیلم‌ها

بلیت‌ها را خودت بخر تا فیلمت پرفروش بشه!

■ **محمدصادق عابدینی**

هر سال در زمان برگزاری جشنواره فیلم فجر، این شائبه به وجود می‌آید که برخی از صاحبان فیلم‌ها با خرید بلیت برای فامیل و آشنایان و حتی مردم غریبه آنها را رایگان به سینما می‌فرستند تا فیلم ببینند و به نفع آنها رأی دهند، این روش غیراخلاقی به نحو دیگری در اکران سینماها نیز دخالت دارد.

چه فیلمی پرفروش‌تر از سایرین است؟ این سؤال راهنمای خوبی برای تماشای فیلم در سینماست چون بر اساس یک قاعده قدیمی آن چه سایرین از آن استقبال کرده‌اند، حتماً ارزش دیده شدن را دارد. اصولاً یکی از دلایلی که در سینما جداول فروش هفتگی اعلام می‌شود و رسانه‌ها به دنبال نشر آن هستند، همین مسئله است تا مخاطبان سینما از بهترین‌های فروش آگاه شوند و احتمالاً آنهایی که قصد دارند به سینما بروند و دنبال گزینه مناسب هستند، بهترین فیلم جدول فروش را برای تماشا انتخاب کنند. با این پیش‌فرض، رسیدن و قرار گرفتن در رأس جدول فروش به خودی خود می‌تواند میزان فروش را بالاتر ببرد. پس همین که یک فیلم به جمع پرفروش‌ها رسید به ابزاری تبلیغاتی به سود فیلم تبدیل می‌شود. در تیزرهای تلویزیونی یا آگهی‌های مطبوعاتی بارها پیش آمده که بر پرمخاطب بودن فیلم اصرار می‌شود یا این که در تبلیغات دوره‌ای بر میزان فروش فیلم تأکید خاصی می‌شود. همه اینها تکنیک‌هایی برای جلب بیشتر مخاطب است اما برخی فیلمسازان برای تبلیغ فیلم‌هایشان منتظر نمی‌شوند که یک فیلم در روندی طبیعی به فروش خوب برسد، آنها پرفروش شدن فیلم را به نحوی می‌خرند! شیوه‌ای که در جشنواره فیلم فجر برای به دست آوردن سیمرغ بهترین فیلم از نگاه تماشاگران استفاده می‌شود، این بار برای به دست آوردن عنوان پرفروش‌ترین فیلم روی پرده در حال انجام است با این تفاوت که کار به مراتب راحت‌تر نیز می‌شود و برخلاف جشنواره فیلم فجر که خرید بلیت با محدودیت همراه است و قیمت بلیت‌ها گران‌تر از اکران عمومی است، این بار در فروش گیشه، صاحبان فیلم می‌توانند با خرید بلیت و اهدای آن به افراد مورد نظر، حجم مخاطب و میزان فروش را بالا ببرند.

■ **خرید بلیت برای صندلی‌های خالی**

خرید بلیت سینماها چون دیگر به رأی تماشاگر نیازی ندارد، بی‌دردسرتر هم هست و می‌شود صندلی‌های سینما را خالی نگه داشت و برای پر کردن آن دنبال نفر گشت. در همین زمینه، گزارش یک سایت خبری، درباره روش عجیب بالا بردن میزان فروش، قابل توجه است. «تابناک» در این باره می‌نویسد: «در حال خوردن پاپ کورن و تماشای فیلم سینمایی‌ای هستید که در خبرها به عنوان یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های روی پرده معرفی شده است. اطراف‌تان را که نگاه می‌کنید اکثر صندلی‌ها خالی است، در حالی که وقت خرید بلیت اکثر صندلی‌ها اشغال شده بود و نتوانسته بودید صندلی مناسب را در سالن انتخاب کنید؛ فضا کمی عجیب نیست؟ این صحنه‌ای است که اگر در یک روز غیرتعطیل که قیمت بلیت سینما نیم‌بها نباشد، ممکن است با آن در سالن سینما مواجه شوید و اسباب شگفتی‌تان را رقم بزند اما از کنارش به سادگی عبور کنید.» این گزارش می‌افزاید: «برخی مالکان فیلم‌های سینمایی با سه هدف متفاوت در این اتفاق نقش دارند و با خرید گسترده بلیت فیلم‌هایشان، عملاً آمار فروش را بالا می‌برند. در مواردی این اقدام در روزهای نخست اکران مشاهده شده که نشان می‌دهد هدف یک فروش انفجاری در ابتدای اکران و افزایش توجه عمومی در قالب «استقبال ویژه» بوده، تا بدین ترتیب تماشاگران برای دیدن فیلمی که با استقبال گسترده در افتتاحیه مواجه شده، راهی سالن‌های سینما شوند. در واقع رویکرد اول عمدتاً تبلیغاتی بوده و به همین ترتیب نیز این رویکرد تداوم نمی‌یابد.

رویکرد دوم، حفظ کف فروش در سینمای سرگروه می‌تواند باشد. بر اساس آیین‌نامه اکران، در صورتی که فیلمی کف فروش را از دست بدهد، سینمای سرگروه که سینمای پرفروشی است را از دست می‌دهد و به مرور اکرانش پایان می‌یابد اما اگر بالاتر از کف فروش در سینمای سرگروه باشد، همچنان به اکرانش در سقف زمانی تعیین شده تداوم بخشیده می‌شود. بنابراین اگر به عنوان صاحب یک فیلم، به قدری که فروش سینمای سرگروه بالاتر از کف باشد، اقدام به خرید بلیت نمایید، عملاً تداوم اکران فیلم‌تان را گارانتی کرده‌اید. این اقدام در گذشته نیز مطرح بوده و اکنون با مکانیزه شدن فروش، ردیابی‌اش ساده‌تر است. رویکرد سوم، آمارسازی است که درباره فیلم‌های ارگانی بیشتر می‌تواند صادق باشد. فیلمی که هزینه‌ای گزاف داشته، با شکست مطلق در اکران هم نهاد سفارش‌دهنده‌اش زیر سؤال می‌رود و هم توانایی و کیفیت محصول سازندگانش به چالش کشیده می‌شود. در این شرایط تهیه‌کننده می‌تواند شخصاً یا با حمایت سازمان سفارش‌دهنده بلیت بخرد که حدود ۳۵ درصد قیمت بلیت در نهایت به جیب تهیه‌کننده بازمی‌گردد اما حدود ۶۵ درصد قیمت بلیت سهم سینمادار و پخش‌کننده و مالیات است که دیگر بازنمی‌گردد و در مسیر چنین آمارسازی هزینه می‌شود!»

■ **سکوت سازمان سینمایی**

خرید و اهدای بلیت به دیگران از نظر قانونی دارای ایراد ذاتی نیست، حتی اگر قرار باشد به وسیله آن یک فیلم به طور مصنوعی پرفروش شود و جایگاه بالایی در جدول فروش از آن خود کند اما همین روش به ظاهر قانونی یک رقابت غیراخلاقی را در سینما دامن می‌زند. خرید بلیت‌های جشنواره فجر برای به دست آوردن سیمرغ بهترین فیلم از نگاه تماشاگران، هر سال اعتراض تهیه‌کنندگان سینما را در پی دارد. با این حال هنوز سازمان سینمایی نتوانسته است برای جلوگیری از این روش غیرمعمول برای رسیدن به موفقیت راهکاری را ارائه کند. دو سال پیش در جشنواره فیلم فجر، مسئله اهدای بلیت به مردم برای رأی دادن به فیلم خاص، حتی پای مجلس را به مناقشه بهترین فیلم از نگاه مردم، باز کرد. جمشید جعفرپور، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس در آن زمان اعلام کرد: «قطعاً بلیت‌های فروخته نشده و اهدایی به مقامات، نهادها و دستگاه‌های خاص در نتیجه آرای مردمی که در جشنواره فیلم فجر این جایزه بسیار اهمیت دارد، تأثیرگذار است و چنانچه نسبت نامتعارفی بین فروش بلیت و بلیت‌های اهدایی وجود داشته باشد، دبیر جشنواره فجر باید در این زمینه توضیح دهد». با آنکه کمیسیون فرهنگی قرار بود از دبیر جشنواره فجر توضیح بخواهد این اتفاق رخ نداد، چون عملاً چیزی برای اثبات ماجرا در دسترس نبود مگر اینکه یک نهاد یا ارگان فاکتور خرید بلیت سینما را ارائه می‌داد که مسئله‌ای محال به نظر می‌رسید. اکنون حتی اگر یک تهیه‌کننده همه بلیت‌های اکران را خریده و به رایگان به مردم ارائه دهد، سازمان سینمایی نمی‌تواند وی را نهی کند. تنها راهی که به نظر می‌رسد برای جلوگیری از این اقدام در نظر گرفت این است که خرید بلیت سینما مانند خرید بلیت جشنواره فجر دارای محدودیت‌هایی چون ارائه کارت ملی شود.